

رخداد

راز گشایی از ۲۰۴قره قتل در سال جاری



■ ایستنا: معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی ناجا خبر داد: راز ۲۰۴ فقره قتل که در سال‌های گذشته به وقوع پیوسته بود، امسال کشف شد. سرهنگ هادی مصطفایی با اشاره به کارگیری تملامی امکانات برای کشف سریع پرونده‌های جنایی افزود: در این میان، پرونده‌هایی وجود دارد که به سبب برخی ابهامات یا سایر شرایط ممکن است با وجود تلاش کارآگاهان، نتیجه قطعی حاصل نشود، اما پی‌جویی پرونده‌های معوقه تا حصول به نتیجه قطعی، در دستور کار پلیس آگاهی ناجا و کارآگاهان قرار دارد. وی افزود: در پنج ماهه اول امسال ۲۰۴ فقره از پرونده‌های معوقه سال ۸۹ و سنوات قبل با استمرار تحقیقات و مرور و بازنگری پرونده‌ها منتهی به کشف شدند معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی ناجا، به چند نمونه از پرونده‌ها اشاره کرد و گفت: اسفند سال ۱۳۸۶، جسد زنی به همراه دو فرزند هشت و ۱۱ ساله‌اش در حالی که با ضربات چاقو به قتل رسیده بودند در حوالی یکی از روستاهای کرمان کشف شد و براساس تحقیقات کارآگاهان، شوهر دوم مقتول که سرپرستی این زن و دو فرزندش را برعهده گرفته بود در مظان اتهام قرار داشت، بنابراین وی با نظر مقام قضایی بازداشت و بارها به آگاهی منتقل شد اما هر بار اظهار بی‌گناهی می‌کرد. متهم، امسال برای چندمین بار به آگاهی منتقل شد و سرانجام پس از سه سال از راز این قتل‌ها پرده برداشت و به هر سه قتل به دلیل درخواست همسرش برای جدایی از او اعتراف کرد. مصطفایی در تشریح پرونده قتل دو پسرپچه ۹ و ۱۰ ساله در قم نیز گفت: در خرداد ماه سال گذشته، این دو کودک برای شنا به کانال آب رفته بودند اما ساعاتی بعد اجساد آنان در محل پیدا شد. در ابتدای امر علت مرگ، خفگی حین شنا به نظر می‌رسید اما پزشکان در بررسی اجساد دریافتند یکی از کودکان مورد آزاروآذیت قرار گرفته است، بنابراین کارآگاهان قم دریافتند با یک پرونده قتل رویرو هستند. تحقیقات پلیس ادامه داشت تا اینکه در سال جاری نگهبان یکی از شرکت‌های مجاور محل حادثه، شناسایی شد و به قتل و آزار و اذیت کودکان اعتراف کرد.»

شرق: مردی خشمگین بعدازظهر دوشنبه در میدان انقلاب تهران با پنازین خودش را به آتش کشید. این مرد هنوز زنده و در بیمارستان بستری است اما وضعیت مساعدی ندارد و خطر مرگ همچنان او را تهدید می‌کند. این مرد که هویتش فاش نشده است حدود ساعت ۱۸:۳۰ دقیقه روز دوشنبه خودش را به میدان انقلاب رساند. او به ضلع شمال غربی میدان رفت و در حالی که گوشه‌ای از خیابان ایستاده بود، یک پارچ را بالای سرش برد. در آن ساعت برخلاف روزهای عادی میدان انقلاب خلوت و کم‌تردد و بیشتر مغازه‌ها تعطیل بود. چند رهگذری نیز که از آنجا عبور می‌کردند، گرچه رفتار مرد ناشناس را غیرطبیعی دیدند، اما تصور کردند او از شدت گرما پارچ آب را روی سر و صورتش خالی کرده، غافل از اینکه آن مایع، پنازین است. ثانیهای بعد مرد عصبی کبریت را زد و آتش سراپای وجودش را فرا گرفت و ناظران را به وحشت انداخت.

یکی از پوشاک‌فروشان میدان انقلاب که روز دوشنبه مغازه‌اش باز بود، درباره این واقعه به خبرنگار ما گفت: «من در مغازه ایستاده بودم که یکدفعه صدای داد و فریاد را شنیدم، همین که بیرون آمدم آن مرد را دیدم که آتش گرفته بود و دور خودش می‌دوید. او فریاد می‌زد پدرا پدرا! مردم خیلی زود دور او حلقه زدند و جمعیت زیادی جمع شد. من با اورژانس و آتش‌نشانی تماس گرفتم، پلیس

شرق: پرونده سه مرد افغان که به صورت گروهی به زنی در برابر چشمان شوهرش تعرض کرده بودند، با تایید حکم اعدام، به واحد اجرای احکام سپرده شد. این سه افغان در تحقیقات مقدماتی علاوه بر تجاوز به شاکي، تعرض به پنج زن دیگر را نیز گردن گرفته و گفته بودند همدست دیگری نیز دارند، اما عضو چهارم این باند که به افغانستان گریخته، هنوز دستگیر نشده است. این پرونده از روز ۱۴ بهمن سال ۸۸ به جریان افتاد و در آن روز مردی به نام یوسف با مراجعه به کلانتری مصطفی خمینی علیه چهار مرد متجاوز شکایت کرد. او ماجرا را این‌طور شرح داد: «به همراه همسرم فرنگیس برای زیارت به سمت بهشت زهرا می‌رفتیم که متوجه دو مرد گال به دست شدم. آنها کنار جاده ایستاده بودند و از خودروهای عبوری کمک می‌خواستند. من برای دادن پنازین به آنها توقف کردم و در همین هنگام آن دو، همراه دو نفر



کارآ خودسوزی در تصویر مشخص شده است.

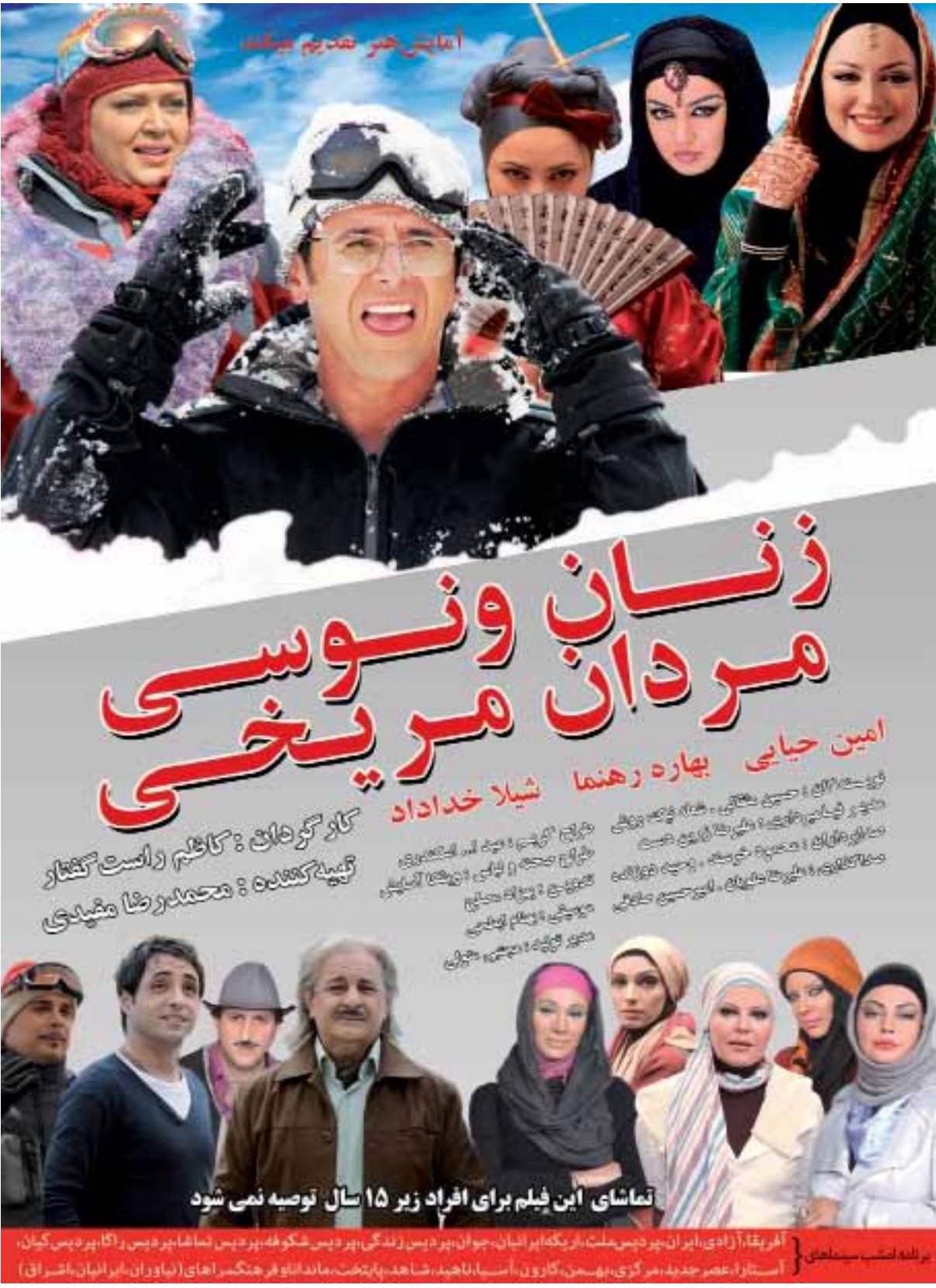
بعدازظهر دوشنبه در میدان انقلاب تهران به وقوع پیوست خودسوزی در حضور دیگران

هم که در میدان کیوسک دارد و ماموران خیلی زود سر رسیدند.» این مرد ادامه داد: «آتش‌نشانی خیلی سریع رسید، البته مردم آن مرد را خاموش کرده بودند. او روی زمین افتاده بود و هیچ حرفی نمی‌زد و کاملاً بی‌حال بود.

پرونده سه متهم افغان به اجرای احکام ارسال شد

اعدام برای عاملان تجاوز گروهی در جاده بهشت زهرا

دیگر در حالی که ساتور و چاقو در دست داشتند به من و فرنگیس حمله‌ور شدند و ما را به جایی خلوت و پشت درختان کشاندند.» یوسف در ادامه گفت: «مهاجمان دست و پاهای ما را بستند و به همسرم تعرض کردند، بعد پول، زن دیگر را نیز گردن گرفته و گفته بودند همدست دیگری نیز دارند، اما عضو چهارم این باند که به افغانستان گریخته، هنوز دستگیر نشده است. این پرونده از روز ۱۴ بهمن سال ۸۸ به جریان افتاد و در آن روز مردی به نام یوسف با مراجعه به کلانتری مصطفی خمینی علیه چهار مرد متجاوز شکایت کرد. او ماجرا را این‌طور شرح داد: «به همراه همسرم فرنگیس برای زیارت به سمت بهشت زهرا می‌رفتیم که متوجه دو مرد گال به دست شدم. آنها کنار جاده ایستاده بودند و از خودروهای عبوری کمک می‌خواستند. من برای دادن پنازین به آنها توقف کردم و در همین هنگام آن دو، همراه دو نفر



مردی آتش گرفته است، مرد دیگری که یک کیسول خاموش‌کننده دستی داشت به طرفش دوید و آتش را خاموش کرد اما آن مرد به شدت سوخته و بدجوری آسیب دیده بود. فکر نمی‌کردم زنده بماند. اولین بار بود که چنین صحنه‌ای را می‌دیدم و واقعا شوکه شده بودم. همه مردمی که دور مجروح جمع شده بودند، شوکه شده بودند و نمی‌دانستند باید چه کار کنند.»

مرد مجروح اکنون در بیمارستان بستری است و انگیزه او از اقدام به خودسوزی معلوم نیست. مرکز اطلاع‌رسانی پلیس پایتخت در این رابطه اعلام کرد: انگیزه این اقدام هم‌اکنون توسط پلیس آگاهی در دست بررسی است و جزییات آن متعاقبا اعلام می‌شود. البته ایسنا دیروز سن‌مسرد مجروح را ۵۷ سال ذکر کرد و به نقل از یکی از بستگان وی نوشت: او به دلیل اختلافات مالی دست به خودسوزی زده است.

این حادثه در حالی رخ داد که دوشنبه هفته پیش نیز یک جوان ۳۰ساله به دلیل اختلافات خانوادگی تصمیم گرفته بود در حضور دیگران به زندگی‌اش پایان بدهد. او ساعت ۲۰:۳۰ دقیقه روز حادثه روی سقف سایبان یک پل عابرپاده در خیابان فداییان اسلام رفت و با داد و فریاد اعلام کرد می‌خواهد به زندگی‌اش پایان بدهد. در آن حادثه آتش‌نشنان بعد از گفت‌وگو و مذاکره با مرد جوان او را از تصمیمش منصرف و به پایین پل منتقل کردند.

آزاد قرار داده‌اند. قادر-یکی از متهمان- در اعتراف‌اش گفت: «ما در ساعات خلوت، کنار جاده می‌ایستادیم و وانمود می‌کردیم بنزین ماشین‌مان تمام شده است و به کمک احتیاج داریم. ما جلو خودروهایی را می‌گرفتم که زنان جوان نیز سوار بر آن بودند، بعد با تهدید چاقو نقشه‌مان را عملی می‌کردیم.» سه متهم در ادامه برای انجام تحقیقات قضایی به شعبه ۷۷ دادگاه کیفری استان تهران معرفی شدند و هیات قضات بعد از برگزاری جلسات بازجویی و محاکمه هر سه مرد در در تجاوز به عنف گناهکار تشخیص دادند و به مرگ محکوم کردند. این حکم سپس برای بررسی تکمیلی در اختیار قضات شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور قرار گرفت و قضات این شعبه نیز اعدام متهمان را مطابق با قانون تشخیص دادند. به این ترتیب مراحل بعدی نیز طی شد و پرونده صبح دیروز برای به‌داد آویختن سه مرد افغان در اختیار واحد اجرای احکام قرار گرفت.

متهم در دادگاه از کشتن دوستش ابراز پشیمانی کرد

سه گلوله، نقطه پایان اختلافات مالی

من به توصیه یکی از دوستانم برای او ۱۵۰میلیون تومان وثیقه گذاشتم و او را از زندان بیرون آوردم. بعد از مدتی او را در کارهای ساختمانی که انجام می‌دادم، شریک کردم تا بتواند زندگی‌اش را تامین کند اما علیرضا به من خیانت کرد و چند ملک من را با کلاهبرداری و سند جعلی به نام خودش و دوستانش کرد. این کارش من را خیلی ناراحت کرد، چون علیرضا از اعتماد من سوءاستفاده کرده بود، آنقدر عصبی شدم که نتوانستم خودم را کنترل کنم و روز حادثه با سلاحی که داشتم، سراغ او رفتم و بعد از ورود به خانه علیرضا بدون مقدمه با شلیک سه گلوله او را کشتم. سیروس ادامه داد: از کاری که کردم، خیلی پشیمان هستم و آنقدر عذاب‌وجدان دارم که بعد از زندان اقدام به خودکشی کردم. قبل از دستگیری هم تصمیم داشتم خودم را یکشم اما نتوانستم. می‌دانم نمی‌توانم این عذاب وجدان را تحمل کنم و قبل از اینکه حکم قصاص در مورد من اجرا شود، باز هم خودکشی می‌کنم.

متهم که سال‌ها قبل یک‌بار به اعدام محکوم شده بود، در این‌باره نیز گفت: به خاطر جرمی که اوایل انقلاب مرتکب شده بودم، من را به اعدام محکوم کردند. درخواست بخشش کردم و با این درخواست موافت شد و با یک درجه تخفیف به حبس ابد محکوم شدم. ۱۰ سال از دوران محکومیتم گذشته بود که باز هم مشمول عفو و از زندان آزاد شدم. بعد از آن دیگر سعی داشتم زندگی آرامی داشته باشم و در کار ساختمان‌سازی بومد که علیرضا از من کلاهبرداری کرد.» بنابراین گزارش بعد از اتمام دفاعیات متهم و وکیل مدافعش هیات قضات وارد شور شدند و متهم را به قصاص محکوم کردند.

پنج قاره

آلیس داخل حمام رفت و پس از مدتی شروع به فریاد زند کرد. مادر آلیس به محض شنیدن فریادهای او به داخل حمام رفت و دید دخترش در حالی که دوش حمام در دست‌اش بود، روی زمین افتاده است. ماموران آتش‌نشانی در بازدیدنی که از خانه آنان داشتند، این طور گزارش دادند که به دلیل توفانی بودن هوا خانه آنان دچار صاعقه شده و صاعقه از طریق لوله‌های ساختمان به دوش حمام رسیده است.

واژگونی کامیون حامل زایبان

آسوشیتدپرس: واژگون یک دستگاه کامیون در برک‌های در شمال هند باعث کشته‌شدن ۴۰ نفر شد. این مسافران که سوار بر کفی کامیون بودند، به معبدی محلی در منطقه بالیسا می‌رفتند. بنا بر اعلام پلیس، در این سانحه دست‌کم ۱۲ نفر نیز مجروح شدند و بیشتر قربانیان این سانحه که زن و کودک بودند، در برک غرق شدند.

حوادث

نگاه

خودکشی از کنش تا واکنش

مصطفی ملکشاه*

■ ۱. خودکشی جرم نیست و معاونت – کمک و مساعدت و مشاوره دیگری – در خودکشی در بعضی از کشورها جرم و در برخی کشورهای دیگر مثل ایران جرم نیست. در انگلستان به موجب قانون خودکشی (suicide act) (۱۹۶۱) این عمل جرم نیست؛ اما هرگونه معاونت در خودکشی با حداکثر ۱۴سال حبس قابل مجازات است. برخی از افراد مقیم انگلستان به دلیل وجود همین قانون برای خودکشی وقتی نیازمند کمک و یاری دیگران هستند به قطعی سفر می‌کنند که در آنجا معاونت در خودکشی جرم نباشد. برای مثال در سال ۲۰۰۶، پلیس انگلستان در پی تحقیقاتی اعلام کرد، یک پزشک عمومی با بیماران خود برای سفر به سوئیس – در این کشور معاونت در خودکشی جرم نیست – و بستری شدن در یکی از کلینیک‌های شپتر زوریخ قرار می‌گذاشت. ۲. مطابق آمار اورژانس اجتماعی در سال ۸۸، ۲۸نفر کمتر از سال ۸۷ دست به خودکشی – اعم از خودکشی موفق یا ناموفق – زدند و در سال ۸۹، یک‌هزار و ۱۲۹ نفر، بیشتر از سال ۸۸ در ایران اقدام به خودکشی کردند. آمار خودکشی منجر به مرگ که اخیرا از سوی سازمان پزشکی قانونی کشور منتشر شده بیانگر افزایش این نوع مرگ در سه ماه نخست سال جاری نسبت به سال گذشته است. دلایل افزایش خودکشی در ایران تا به حال به‌طور علمی مورد مطالعه قرار نگرفته است.

۳. خودکشی در وهله اول بیشتر کنش فردی به نظر می‌رسد که شخص علیه تمامیت جسمی خود انجام می‌دهد، فردی که امید به زندگی و تغییر زندگی فردی و نشاط او از دور شده و در روند رشد فردی و اجتماعی خود به بن‌بست رسیده و حلقه‌های واسط او با زندگی قطع شده است. با این نگاه خودکشی واکنشی محسوب می‌شود که پیش‌زمینه وقوع آن مسایل اجتماعی است. در ایران آمار خودکشی مردان تقریبا دو برابر زنان است و در این میان جوانان بیش‌تر از بقیه اقدام به خودکشی می‌کنند. انگیزه بسیاری از خودکشی‌های جدید نوعی مرگ قدرت‌گرایانه برای فردی است که امید به زندگی را از دست داده و خود را اسیر سرنوشتی می‌بیند که اراده او را از دخیل نیست و امکان عمل و تاثیر علق او در تغییر مسیر زندگی کم شده است. بنابراین خودکشی نوعی غلبه قدرت فرد بر زندگی روزمره و روزمرگی فرد می‌شود و با این عمل فرد به نوبه خود می‌خواهد در مرگ قوی‌تر از زندگی باشد. نوع دیگر خودکشی‌های جدید در ایران خودکشی ناشی از تضعیف هنجارهاست که دورکم آن را خودکشی آنومیک تعبیر می‌کند. وضعیت آنومی به شرایط جامعه در حال تغییری اطلاق می‌شود که بین هنجارهای حاکم بر جامعه با رفتارهای جاری و واقعی زندگی مردم، فاصله افتاده و هنجارهای جدیدی هم هنوز شکل نگرفته است. (تعبیر سعید مدنی از مفهوم وضعیت آنومی). به نظر دور‌کیم وجدان اخلاقی یک نیروی بیرونی کنترل‌کننده است که خواهش‌ها و امیال درونی انسان را کنترل می‌کند. وقتی وجدان و هنجار اخلاقی جامعه با وضعیت واقعی فرهنگی مردم همگن نباشد، امیال سیری‌ناپذیر از قید هنجارها آزاد می‌شود اما منابع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای پاسخ به خواهش‌ها محدود است. در این وضعیت کمبود فرهنگی و اقتصادی، کوشش فردی نتیجه‌ای در بر ندارد و فرد به پوچی و نیستی می‌رسد. بسیاری از نوع جدید خودکشی‌ها در ایران چنین بوده و نشانگر یک خلأ اخلاقی – فرهنگی است. طرفه اینکه خودکشی‌های معمول در ایران برای فرار از درد و رنج فیزیکی نبوده و نوعی فرار ناشی از وضعیت روحی و بحران هویتی است. جوانانی که در جست‌وجوی معانی و شیوه‌های جدیدی از هویت و بودن هستند اما نتوانستند و جامعه نیز نتوانسته به همشده‌ها و چیستی‌ها و نیازهای آنان پاسخ در خوری دهد.

۴. عامل خودکشی پیش‌تر در فرهنگ و اقتصاد جامعه و محیط پیرامون فرد به وجود آمده است. معنای آزادی فرهنگ، گفت‌وگو و معضلات فعالیت اقتصادی و اجتماعی و محیط اجتماعی که نشاط و تحرک در آن با موانع ایجاد می‌شود، فرد را به کنج بیگانگی از خود و جامعه سوق می‌دهد. برخلاف گفتمان‌های عمومی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در ایران که مروج دیگر خواهی بوده در سال‌های اخیر ما با نوعی از فردیت و منفعت‌طلبی در رفتارهای فردی مواجهیم؛ البته به گونه‌ای که چندان هویت‌های فردی و منافع طلبی، دلیل بیگانگی فرد از جامعه نیست چرا که هویت فردی که ابتدا در پی منافع روحی و مادی خود باشد، به شرط امکان تعامل آزاد با فضای اجتماعی در نهایت به نفع جامعه عمل خواهد کرد. جوانی که بتواند خود را به راحتی با جامعه در میان بگذارد، وارد تعاملی با محیط پیرامونی خود خواهد شد که ناامیدی در آن جایی ندارد. خروجی آزادی و نشاط فرهنگی و اقتصادی جامعه‌ای خواهد بود که کار، امید و تولید در آن جریان دارد و در این میانه وسوسه خودکشی جایی نخواهد داشت. «موقوفان